

درآمد : از نصیرالدوله به ناصرالدین شاه : نگرانی فرهاد میرزا معتمدالدوله حاکم فارس از برخورد ظل السلطان، حاکم اصفهان ؛ دستخط شاه در حاشیه: که تذکرات لازم را به ظل السلطان داده و دستور به نصیرالدوله که خودش میان این دو را بگیرد .

G III 65

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت گردهم

معتمدالدوله رمزی فرستاد و غلام را قسم داده است که به خاکپای مبارک عرضه دارد و این مطلب را مکرر نوشته‌اند غلام لایق عرض حضور همیون ندانسته خود جواب نوشته و اطمینان داده است که این چه خیالی است پیش شما آمده باز حالا قسم داده است که عرض بکن. تفصیل اینست که گویا وقتی حضرت والا ظل السلطان در اصفهان فرموده‌اند معتمدالدوله درست راه برود من از عجز فرهاد کش کمتر نیستم. این حرف را به معتمدالدوله نوشته‌اند به شدت ترسیده که اگر یکی را بفرستد شیراز غفلتاً مرا بکشد چه خواهد شد. مکرر نوشته‌اند که من این خبر را عرضه دارم. لایق عرض ندانسته خود جواب نوشته اطمینان داده‌ام. حالا به قید قسم نوشته لابد همان رمز او را به حضور همیون ارواحنا فداه تقدیم کرد. مقصود معتمدالدوله از کاغذ او این طور معلوم می‌شود که مستدعی است سفارشی از او به دستخط همایون به حضرت والا ظل السلطان شود که از شاهزاده و کارهای شاهزاده ملاحظه داشته باشند. دیگر موقوف به رای مبارک اقدس همایون ارواحنا فداه است الامر الاقدس العالی مطاع مطاع مطاع

دستخط ناصرالدین شاه

نصیرالدوله آنقدر که لازم است بلکه زیادتیر به ظل السلطان فهمانده‌ام که کاری به کار فارس و معتمدالدوله نداشته باشد که صرفه برای او نخواهد داشت. دیروز هم باز در جواب عریضه او شرح مفصّلی نوشته‌ام. به معتمدالدوله تلگراف کن که ابداً گوش به این حرفها ندهد بلکه خودت میانه افتاده میانه آن دو شخص لجوج را اصلاحی که لازم است بده و به عرض برسان. البته بهتر است با هم راه بروند که بی جهت اسباب زحمت نشوند.